

فصل ۱

تطبیق صف ۱ :

عبارات زیر با کدام یک از اصول میانی فلسفی علوم تناسب دارند:

- ج ۱ (واقعیت داشتن جهان ج ۲) یکسان عمل کردن طبیعت ج ۳ (درستی روش تجربه و آزمایش
ج ۴) تبعیت همه موجودات از اصل علیت ج ۵ (قابل شناخت بودن طبیعت
تأمل فلسفی ص ۲

برای پاسخ به سئوالات زیر به کدام یک از دانش هایی که در سمت چپ نوشته شده نیازمندیم؟

- ج ۱ (معرفت شناسی ج ۲) فلسفه علوم انسانی ج ۳ (روان شناسی ادراک ج ۴) فلسفه تاریخ
ج ۵ (فلسفه سیاست ج ۶) معرفت شناسی ج ۷ (فلسفه علوم اجتماعی ج ۸) فلسفه اخلاق
ج ۹ (فلسفه هنر ج ۱۰) فلسفه حقوق

کشف ص ۲ :

کدام یک از اشکال زیر رابطه و نسبت احکام وجود را با احکام و قوانین مربوط به وجود عالم ماده نشان می دهد؟
توضیح دهید.

صورت این سوال اشکال دارد. «احکام وجود» در سوال را به «عالم وجود» و «احکام و قوانین مربوط
به عالم ماده» را به «عالم ماده» تبدیل کنید، سپس به سوال پاسخ دهید. که در این صورت شکل سمت
چپ پاسخ سوال خواهد می شود. رابطه آن دو عموم و خصوص است. (در غیر این صورت یعنی مطابق
صورت سوال در کتاب، رابطه آن دو تباین است که با اشکال ذیل آن ارتباطی ندارد .)

تأمل ص ۴ :

در ابیات زیر مقصود از کلماتی که زیر آن ها خط کشیده شده چیست؟ آیا انسان وجو حقیقی را با چشم در می یابد یا با عقل؟

هست در مصراع اول : هستی محسوس که مربوط به فطرت اول یا عقل معاش است .

هست در مصراع سوم : به معنی برخوردار بودن یا بهر مند بودن است .

نیست در مصراع چهارم : هستی محسوس یا عالم ماده

هست ها در مصراع پنجم : وجود واقعی (وجود واقعی= کلیات و مجردات)

تطبیق ص (تطبیق و مقایسه) ص ۵ :

با توجه به ابیات زیر توضیح دهید زبان فلسفی چه تفاوتی با زبان سایر علوم دارد؟

زبان فلسفه به عمق و مفهوم اصلی پدیده ها توجه دارد. فلسفه سلوک خاصی است، بدون آن نمی توان به کنه عالم تقرب جست. سایر علوم، مثل علوم تجربی ظاهر پدیده ها را مطالعه می کنند.

جستجو ص ۶ :

پاسخ این سوالات را از علم مابعدالطبیعه باید دریافت. برای قسمت دوم و سوم سوال هر دانش آموزی می تواند پاسخی جدا از دیگران ارائه دهد.

تأمل ص ۷ :

حیرت در این دو بیت حافظ همان حیرت فلسفی و عرفانی است که مربوط به فطرت ثانی است و در عمل نصیب هر کس نمی شود. حیرت در این جا امر مثبتی است.

در ادبیات مولانا، حیرت (حیرانی) به معنای سرگردانی است. به معنای سر در گم شدن و بلا تکلیفی است. در این جا حیرت امر منفی و مذموم است و به قول مولانا ویرانی است .

نمونه یابی ص ۸-۹ :

الف (فطرت اول ب) فطرت اول ج (فطرت ثانی د) فطرت ثانی ه) فطرت اول

و) فطرت ثانی ز) فطرت ثانی ح) فطرت ثانی

تأمل ص ۱۱ :

در ارتباط یهود و نصارا به کار رفته است. یهودی ها می گفتند: فقط یهودی ها به بهشت می روند و نصارا هم می گفتند جز طایفه ما کسی به بهشت نمی رود. قرآن در پاسخ به آنها می گوید: ای پیامبر به آن ها بگو اگر راست می گویند بر این دعوی خود برهان آورید. می توان از این آیه شریف نتیجه گرفت نباید مدعی بدون دلیل را پذیرفت.

نکته : این آیه (بقره، ۱۱۱) در خطاب به کافران نیست. البته این آیه در چند جای دیگر هم آمده مثل سوره ابراهیم .

جستجوی ص ۱۲:

۱- سوره بقره، آیه ۱۱۵ // ۲- عمران، آیه ۱ // ۳ - سوره مائده: آیه ۱۷ // ۴ - انعام: آیات ۱، ۹۵، ۱۰۱ (البته آیات دیگری را هم می توان برشمرد.)

استدلال ص ۱۴:

- به کسانی که گرایشانشان مانند اهل الحدیث و حنابله است
- سخن اهل حدیث را نمی توان قبول کرد. دین صرفاً تعبدی نیست. می توان درباره گزاره های دینی تأمل فلسفی داشت.
- آیاتی در قرآن می توان یافت (بقره ۱۱۵، حدید ۳، و ...) که ذاتاً مهبای تبیین عقلانی است. این آیات با معرفت فلسفی هم آفق و سازگار است. از طرف دیگر بزرگان دین و خود قرآن همواره، ما را بر تفکر دعوت نموده اند.

تعریفات ص ۱۶:

۱ - الف) ۱ ب) ۲ ج) ۳ د) ۴ ه) ۵

۲ - جسمانیت مرکب از ماده و صورت است. همچنین مرکب از اجزاء و مولکول ها و اتم ها است و این عین نیازمندی است. همچنین جسم به مکان نیاز دارد یا مکثمد و زسائمند است. همه این ها با تصور و تعریفی که از خدا داریم منافات دارند.

۳ - آیه (۱۱۵) سوره بقره، باعث بد فهمی عده ای شده است. عده ای با توجه به چنین آیاتی و فقدان درک صحیحی از این آیات به دام مشبهه و مجسمه افتاده اند. از خطبه علی (علیه السلام) می فهمیم باید تنزیه را هم در نظر گرفت. (باید از خداوند و صفات او درک و شناختی درست داشت.)

۴ - موجودات کامل، عاری از ساده و قوه، در نهایت کمال، واسطه آفرینش و (مربوط به ص ۱۳)

۵- پاسخ در صفحه ۸-۷ // ۶- پاسخ در صفحه ۳ پارگراف های اول، دوم، سوم // ۷- پاسخ در صفحه ۵
۸- پاسخ در صفحه ۱۵

فصل ۲

جستجوی ص ۲۰:

بله، برای پیشرفت نباید همیشه از نقطه صفر آغاز کرد. باید به تجربیات بشری و اندوخته های دیگران نیز توجه کرد.

کشف رابطه ص ۲۰:

باعث شد به مدت سه قرن آثار علمی، فلسفی، و ادبی دیگر ملل از شنش زبان به زبان عربی ترجمه شود.

بررسی ص ۲۰:

خلفای عباسی در محیط های ایرانی تربیت شدند و وزراء و درباریانشان نیز ایرانی و فرهنگ دوست بودند.

بررسی ص ۲۱ :

ترجمه مساوی است با تفسیر مجمل. دیدگاه های متفاوت مترجمان، میزان تسلط آن ها بر زبان، میزان تسلط آن ها بر دیگر علوم و زمینه اجتماعی و فرهنگی مترجمان و باعث تفاوت ترجمه ها می شود.

ارزیابی ص ۲۲ :

زیرا این دو فیلسوف بزرگ، مبدع و مبتکر نیز بودند. آنها سعی کردند آموزه های هستی شناسی و انسان شناسی بینی را با زبان عقل و فلسفه بیان کنند. آن ها بین عقل و دین شکافی نمی دیدند.

جستجوی ص ۲۳ :

حکمای مغرب زمین تا قبل از قرن ۱۲ میلادی، بیشتر تحت تأثیر افلاطون و فلوطین بودند.

سنت اگوستین، آبلار، اریژن، مهمترین فلاسفه از قرن ۵ میلادی تا ۱۲ میلادی هستند.

سازگاری عقل و دین به نحوی که پاس و حرمت عقل نگه داشته شود، دغدغه اصلی این دوره نیست.

از قرن دوازدهم میلادی فلاسفه مغرب زمین با ابتکار فلاسفه اسلامی در راه سازگار کردن اعتقادات دینی با استدلال های عقلی آشنا شدند و شیفته آن گردیدند. این امر، الهام بخش سنت توماس، آلبرت کیپر و راجر بیکن شد.

بررسی ص ۲۴ :

تلاش شاگردان ابن سینا، مانند بهمنیاء، ابو عبید جوزجانی، ابوالعباس لوکری و

تمرینات ص ۲۴

۱-ص ۱۹ // ۲-ص ۲۲ // ۳-ص ۱۹ // ۴-ص ۲۳ // ۵-ص ۲۰ ، پارگراف آخر

فصل ۳

تأمل ص ۲۶ :

استدلالی بودن مهمترین خصوصیات حکمت مشاء است چون فلاسی و ابن سینا برای ارسطو اعتبار زیادی قائل بودند. ارسطو به قیاسی برهانی در مباحث فلسفی تکیه داشت، فلسفه اسلام نیز در ابتدا صورت استدلالی پیدا کرد.

کشف مغالطه، ص ۲۶ :

به او خواهم گفت این که واقعیته وجود دارد، امری روشن و بدیهی و بی نیاز از استدلال است.

هسچنین به او خواهم گفت: ارائه هر گونه دلیلی برای اثبات یا نفی واقعیت، مستلزم قبول واقعیت است.

به قول ابن سینا چنین فردی را می توان مورد ضرب و شتم قرار داد و

نمونه یابی ص ۲۸ :

۱-صادق ۲-حذف شده است ۳- صادق ۴-صادق ۵- کاذب ۶- کاذب

در قضایای بالا نمی توان جای موضوع و محمول را عوض کرد، زیرا محمول اعم از موضوع است.

- قضیه ۵ کاذب است، زیرا قبول آن مستلزم تناقض است. (مثلث و دایره تباین ذاتی دارند)
- قضیه ۶ کاذب است، زیرا قبول آن مستلزم تناقض است. صدا کیف مسوع است و قرمز کیف مبصر. صدای قرمز تباین ذاتی دارد.
- قضیه شماره ۷ را می توان صادق دانست مشروط به این که فرد آموزه های دینی اسلام را قبول کرده باشد.

تأمل صف ۲۹:

آیا هر چیزی که در ذهن تصور می کنیم دلیل بر وجود داشتن آن نیست؟ خیر. به خاطر مغایرت وجود با ماهیت.

نمونه یابی ص ۲۹: گزینه های الف، ج، د صحیح هستند.

نکته: باید از صورت سوال لفظ فقط حذف شود.

کشف رابطه ص ۳۰:

(الف با ج) - (ب با ب) - (ج با الف) - (د با ه) - (ه با د) - (و با و)

نکته: مورد آخر را باید با نسبت حکمی سه در نظر گرفت. (عدد سه زوج نیست)

ارزیابی ص ۳۱:

-الف) خداوند (وجود برای خداوند ضروری است)

-د) یعنی دایره مستطیل، (وجود برای دایره مستطیل منتع است). همچنین برای مورد ج یعنی شریک الباری منتع است. اما وجودی برای سوار دیگر (انسان، آخرت، دریای جیوه) ممکن است.

تمرینات فصل سوم ص ۳۱:

۱-صفحه ۲۶ // ۲-صفحه ۲۸ // ۳-صفحه ۳۰-۲۹ // ۴-صفحه ۳۰ // ۵-الف) امکانی
ب) وجوبی ج) استنهای

فصل ۴

کشف رابطه، ص ۳۳:

۱-مربوط به فطرت ثانی است که فلسفه درباره آن بحث می کند.

۲-مربوط به فطرت اول است و در علوم تجربی درباره آن بحث می شود.

۳-چراهای نوع اول ریشه در فطرت ثانی دارد و با روش علوم تجربی نمی توان درباره آنها بحث کرد بلکه با تعقل محض و استدلال های منطقی می توان به این مباحث تقرب جست. چراهای نوع دوم مربوط به فطرت اول است. پاسخ این سوال ها را می توان با استفاده از متد(روش) علوم تجربی تحقیق کرد.

فعالیت ص ۳۴:

حیرت ما را به پرسش از چرایی امور می کشاند. آدمی در ساحت فلسفه و تعقل محض، ابتدا به حیرت دچار می شود. فلسفه یا حیرت آغاز می شود ولی فیلسوف طالب ماندن در حیرت نیست. برای زودن

حیرت و پاسخ به چراها، به عقلانیت روی می آورد. یعنی پرسشش مورد نظر را مورد تبیین عقلانی قرار می دهد.

تأمل ص ۲۴ :

چراهایی که مربوط به اصل وجود هستند ما را با حیرت روبرو می کنند؛ چراهایی که مربوط به عالم و آدم است. پرسش های بزرگ هستی شناسی و انسان شناسی را نمی توان با تبصر در علوم تجربی جواب داد. زیرا علوم تجربی اولاً فقط با محسوسات سر و کار دارند ثانیاً علوم تجربی نمی تواند از چار چوب متد و روش خود که همانا مشاهده و تجربه و آزمایش است فراتر روند.

تحقیق ص ۲۴ :

دانشمندان ابتدا پرسش می کنند و می پرسند: چرا ؟ (ابتدا هر دانشمندی باید پرسش تحقیق داشته باشد.) سپس فرضیه ای در جواب پرسش خود عرضه می کنند. فرضیه همان پاسخ موقتی و فرضی به سوال تحقیق است که ممکن است درست یا نادرست باشد. گام بعدی همان مشاهده، تجربه و آزمایش است، برای تأیید یا رد فرضیه. به این ترتیب پاسخ به چراها همان پیشرفت علوم است.

جستجو و پژوهش ص ۳۵ :

ملاک نیازمندی معلول به علت برای یونانیان باستان مطرح نبوده است، زیرا آنها جهان (هستی) را به صورت یک پارچه و کاسموس می دیدند. هستی و عالم برای آن ها ازلی و قدیم بود.

در ادیان ابراهیمی علت فاعلی (علل الملل)، همان علت غایی (غایت الغایات) است. جهان هستی برای این ادیان ماهیت از اویی و بسوی اویی دارد.

تفکر نقدی ص ۲۶ :

از نظر متکلمان اسلامی با مراجعه به گذشته شیئی می توان به حادث و قدیم بودن آن پی برد. ولی از نظر حکمای اسلامی (فلاسفه مشاء) باید دید که موجود، ممکن الوجود است یا واجب الوجود. اگر ممکن الوجود باشد، حادث ذاتی است و اگر واجب الوجود باشد، قدیم ذاتی است.

نمی توان زمانی را فرض کرد که موجودات مادی نبوده باشند. یعنی عالم (عالم مادی) معدوم مطلق بوده باشد. جهان اعم از مادیات و فرشتگان ممکن الوجودند و آنها نسبت به واجب الوجود تأخر ذاتی دارند، نه تأخر زمانی.

ما با ملاک متکلمان که زمان را ظرف اشیا ی مادی می دانند، نمی توانیم به سراغ همه موجودات برویم. مجردات هم لازمان هستند و با ملاک متکلمان نمی توان از گذشته آن ها سراغ گرفت.

بررسی : ص ۳۷ :

- بله . موجودات عالم یا واجب اند یا ممکن . این تقسیم بندی درباره خود وجود است .

اگر موجودی نسبتش با وجود عدم مساوی باشد ، ممکن الوجود است . ممکن الوجود نمی تواند بدون علت و خود به خود به وجود آید. زیرا ترجیح بلا مرجح لازم می آید و این نفی قاتون علیت و قبول صدفه است که مساوی است با کشیدن خط بطلان بر روی همه علوم .

تطبیق و مقایسه ص ۳۷ :

ب (بازیکنان

خوب بازی کردن یک ورزشکار به عوامل زیادی بستگی دارد که هر یک از آن عوامل علت ناقصه اند و مجموعاً علت تامه می شوند. مثلاً مربی یکی از آن علت هاست. علت های دیگر شامل: شرایط جسمانی و فیزیکی مناسب، تمرین زیاد، انگیزه های قوی، امکاناتی مانند زمین و توپ مناسب و ...

کشف رابطه ص ۳۸:

می توان به جای باید و حتماً از واژه ضرورتاً استفاده کرد که البته همان معنا را می دهد. باید در جمله های ۱ و ۲ باید های علی است و در جمله ۴ و ۵ باید اعتباری است. (به اعتبار نقل یا شرع)

ژرف نگری:

۱- گرما (حرارت) // ۲- گرمای مناسب و کافی // ۳- زمان لازم و کافی برای اینکه گرما اثر کند.

تأمل ص ۳۹

خیر: علت و معلول لازم و ملزوم یکدیگرند. آن دو متضایف اند. علت بدون معلول و معلول بدون علت بی معنا است.

خیر. نمی توان در چنین جهانی زندگی کرد. در جهانی که معلول خود به خود و بدون علت باشد، قابل کنترل و تصور نیست.

ژرف نگری ص ۴۰

- خیر. خیر. زیرا معلول با قطع نظر علت تامه فقط امکان ذاتی است.
- هرم ضرورت علی

تأمل ص ۴۱

خیر. چنین انتظاری معقول نیست. چون فراهم شدن همه شرایط مساوی است با همان علت تامه. علت تامه به معلول هم وجود می بخشد و هم ضرورت.

تکمیل و ارزیابی ص ۴۲

۱- قهرمانی در جام جهانی: شرایط مناسب، مربیان کار آزموده، تمرین های زیاد، زمین چمن و توپ و ...

۲- قبول شدن در رشته فلسفه: معلمان مجرب، کتاب های درسی و کمک آموزشی، مطالعه مستمر و ...

۳- انسان کامل شدن: خانواده و محیط مناسب، آموزش لازم، مربیان ورزیده و ...

۴- حرارت یا گرما: مناسب و اندازه بودن گرما، زمان لازم و ...

۵- گرفتن پنچری لاستیک دوچرخه: چسب، وصله، یا دستگاه آپارات، آچار، پیچ گوشتی و ...

مقایسه و ارزیابی: صفحه ۴۳

خیر. زیرا بین علت و معلول منخیت برقرار نیست.

تعقل و تطبیق: ص ۴۴

بله. فارابی در جایی تسلسل را به دور بزرگدانه است. چون در تسلسل بین علت ها و معلول ها تفاوتی نیست، بنابراین این می توانیم تسلسل را نوعی دور به حساب آوریم.

فارابی با ابطال تسلسل نامتناهی، ما را از مشکل تسلسل و دور باطل نجات می دهد. او می گوید: این تسلسل باید متناهی باشد و به علتی که قائم بالذات باشد، ختم شود.

تکمیل و ارزیابی: ص ۴۶

برهان این سینا	برهان فارابی
۱- موجود یا بلکه موجوداتی در جهان هست ۲- موجود یا واجب الوجود است یا ممکن الوجود ۳- ممکن تا وجوب پیدا نکند وجود پیدا نمی کند. ۴- تسلسل علل نامتناهی محال است.	۱- موجود یا بلکه موجوداتی در جهان هست. ۲- تقدم علت بر معلول ۳- مواجهه با سلسله ای از علل هستیم که هر یک مشروط به دیگر است. ۴- پس: علت العلل هست.

استخراج نتایج: ص ۴۷

از اصل علیت: نتیجه می گیریم بین موجودات جهان ارتباط و پیوستگی وجود دارد.

از اصل علی و معلولی: نتیجه می گیریم نظام هستی از حتمیت و تخلف ناپذیری برخوردار است.

از اصل سنخیت: نتیجه می گیریم نظام هستی داری نظام یا قانونمندی است.

نمونه یابی: ص ۴۷

حذف اصل علیت: مساوی است با این که موجودات عالم هیچ ارتباط و پیوستگی با هم ندارند. (صدفه)

حذف اصل علی و معلولی: حتمیت و تخلف ناپذیری میان علت ها و معلول ها را مخدوش می سازد.

حذف اصل سنخیت: نظم و قانونمندی جهان را مختل می کند.

تحقیق: ص ۴۸

الف) شناخت چیست؟ فلسفه می تواند به این پرسش پاسخ دهد.

ب) علم چیست؟ فلسفه می تواند به این پرسش پاسخ دهد.

ج) مبانی علوم تجربی، تجربی نیست. بنیادهای علوم تجربی و ریاضی و منطق را باید در فلسفه جستجو کرد.

پرسش هایی مانند: شناخت چیست؟ علم چیست؟ برای عالمان علوم تجربی و ریاضی اهمیت دارد و باعث پیشرفت علم می شود.

شناخت عبارت است از همان هدفی که همه علوم از تحقیق و پژوهش دارند و آن رسیدن به یقین نسبت به قوانین و نوامیس جهان است. به شناختی که همراه یقین نباشد، شناخت نمی گویند. آدمی به حسب نظرت خویش در پی شناخت و کشف حقایق است.

علم به معنای علوم تجربی عبارت است از مجموعه منظمی از نتایج تلاش های تجربی انسان برای درک بهتر پدیده های طبیعت.

- کلیت و ضرورت از فروع اصل علت می باشند. علت به معنای فلسفی بدون کلیت و ضرورت معنی ندارد.

- استخراج پیام ص ۴۹

الف (عالمان استقراء گرا . خیر

ب (خیر - بلی

تعقل ص ۵۰

باید در زمین عقل قرار دهند. زمین عقل خدشه ناپذیر تر است.

تأمل فلسفی ص ۵۲

خیر . خیر . از این اصول برای پاسخ به سوالات و تبیین عقلانی پدیده ها بهره می جوئیم.

تمرینات ص ۵۴

۱- مسأله علت و معلول، هر حادثه ای علت دارد . مربوط به ص ۳۲

۲- پاسخ بر ص ۴۰-۴۱ // ۳- صدفه // ۳- پاسخ بر ص ۴۱ // ۵- ص ۳۴-۳۵ // ۶- ص ۴۳

۷- ص ۴۵ // ۸- سنن و نوامیس الهی ص ۴۷ // ۹- ص ۴۸ // ۱۰- ص ۲۷ // ۱۱- ص ۵۱ // ۱۲- ص ۵۲

۱۳- اصطلاحات زیر را به طور خلاصه شرح دهید :

الف (واجب الوجود : موجودی است که وقتی وجود را به عنوان محمول به آن نسبت می دهیم ، حتمی و اجتناب نا پذیر است.

ب (ممکن الوجود : موجودی است که حمل وجود بر آن نه ضروری است و نه امتناعی .

ج (واهب الصور : همان عقل دهم است که فارابی به آن عقل فعال می گوید.

د (عقول : هسان عقول عشره یا فرشتگان و ملائک اند که هر دم در کار تدبیر خلقت اند.

۱۴- گل محمدی : پاسخ در جدول آمده است . قصری با سنگهای سفید : سنگ سپید ، آجر ، گچ ، خاک ، آهن ، چوب ، بنا ، سهندس و ... هر کدام به تنهایی علت ناقصه و همه باهم علت تامه اند.

عالم هستی: هر یک از عناصر تشکیل دهنده عالم هستی و به تعبیر فلسفی ماده، صورت و علت العلل. هر یک از عناصر و یا ماده و صورت به تنهایی علت ناقصه اند ولی مجموع عوامل فوق علت تامه اند.

فرشتگان : در عقول عشره ، هر یک از عقول مافوق به تنهایی علت ناقصه اند ولی مجموع عقول مافوق به اضافه علت العلل ، علت تامه اند.

ابلیس: ماده، آتش، علل ناقصه اند. ماده و آتش به اضافه علت العلل، علت تامه اند.

قبول شدن در دانشگاه: علاقه و انگیزه زیاد، تشویق و حمایت نزدیکان، هوش و تلاش کافی، کتاب های درسی، کتاب های کمک آموزشی، دبیران کارآموده، محیط آموزشی مناسب و ... هر یک به تنهایی و یا تعدادی از آن ها با هم علت ناقصه اند ولی همه آن ها با هم علت تامه هستند.

۱۵- اصل علیت و فروع آن حاکم بر پدیده های جهان است و فلسفه به کمک این اصول عقلی به شناخت یقینی و روابط حاکم بر پدیده های جهان اقدام می کند.

فصل ۵

جستجو و تطبیق : ص ۵۷

الف) ویژگی های شخصیتی، تربیت خانوادگی، هوش و استعداد سرشار و ...

ب) به خاطر آرامش و سکوت آن. (بسیاری از فلاسفه مانند نیچه و هیدگر برای اندیشیدن جنگل را انتخاب می کردند)

ج) روحیه مطالعه را در خود بیشتر تقویت کنیم.

عبث آموزی : ص ۵۹

فازابی همواره در پی دانستن بود. اگر کسی بداند چه لذتی در دانستن وجود دارد متوجه می شود، لذت های دیگر فرع لذت دانستن است.

تامل فلسفی : ص ۶۱

هیچ حادثه خودبخود اتفاق نمی افتد. صدفه محال است و همه امور عالم حکیمانه است.

با توجه به نموداری که در کتاب ترسیم شده، هستی یا وجود به عالم ماده خلاصه نمی شود و بخش بزرگتر هستی عالم مآورا الطبییه است که دارای متلسله ای از عقول است که هر یک به تدبیر بخشی از جهان مشغول هستند و در راس همه آن ها علت العلل قرار دارد.

مقایسه و تطبیق : ص ۶۲

علم و عدل، خیر

ارزیابی و مقایسه : ص ۶۳

مقایسه	وصف	مدینه جاهله	وصف	مدینه فاضله
مقایسه	جاهل به احکام الهی و مصالح مردم	رئیس	عالم به احکام الهی و مصالح مردم	رئیس
شناخت سعادت و عدم شناخت سعادت	مردمش نه سعادت را می شناسند و نه سعادت به ذهنشان خطور می کند.	مردم	فضایل و اعمال ارادی و اکتسابی دارند که با نظام و سازمان مدینه هماهنگ است و ...	مردم
تعالل و عدم تعادل	عدم هماهنگی و تعادل	نسبیت اعضاء	هماهنگ و متعادل عمل می کنند.	نسبیت اعضاء
منخلیت و عدم منخلیت احکام و نوامیس الهی	بر اساس میل و خواست شخصی است.	سیاست	بر اساس احکام و نوامیس الهی است.	سیاست
سعادت دنیوی و اخروی، فقط سعادت دنیوی	سعادت دنیوی	هدف	سعادت دنیوی و اخروی	هدف

تحقیق و پژوهش : ص ۶۴

این پژوهش را دانش آموز باید با مراجعه به کتاب تاریخ فلسفه در اسلام ویراسته میر محمد شریف انجام دهند.

تمرینات فصل پنجم ص ۶۴

۱- اگر دین مردم در یک سرزمین برای دستیابی به سعادت دنیا و آخرت است . ص ۶۰

۲- پاسخ ص ۶۰ // ۳- ص ۶۲ // ۴- ص ۶۲ // ۵- ص ۶۰ // پارگراف آخر ۶ // ۶- صفحه ۶۳ // ۷- صفحه ۶۳-۶۴

فصل ۶

عبرت آموزی : ص ۶۸

چون ابن سینا علم حقیقی را در پرتو آن با مبدأ وجود می داند. دانشمند حقیقی هرگز به ظواهر اکتفا نمی کند بلکه می کوشد به کنه اشیا در پرتو نور حق نائل شود.

تفکر ص : ۷۱

زیرا ابن سینا فیلسوف مبتکر و خلاق بوده است. وی در کنار فارابی از مؤسسين فلسفه اسلامی است و در عرصه علم در رشته های مختلف کمتر کسی را داریم چه موافق یا مخالف از وی متأثر نشده باشد.

بررسی و تحقیق : ص ۷۲

این دو بیط حافظ عاشقانه و در نهایت عارفانه است . به این معنا که به هر جا می نگرند، معشوق را می بیند ولی در نزد ابن سینا علاوه بر همه این ها، نظام حاکم بر عالم ، نظام احسن است.

جستجو و کشف رابطه : ص ۷۳

در علم حقیقی از نظر ابن سینا نباید از مبدأ وجود که خداوند است غافل شد. علوم جدید نتوانسته خواسته علم حقیقی را تحقق ببخشند. علم جدید فقط علل مادی رویدادها را بررسی می کند. محدودیت (متد) علوم طبیعی، عالمان این علم را از دیدن علت العلل محروم می نماید.

از نظر ابن سینا هر دانشمندی با پیشرفت علم در برابر خداوند خاضع تر نمی شود. زیرا دیدن جهان به صرف روش علم تجربی ما را از درک صحیح ذات حق محروم می کند.

ارزیابی و تطبیق : ص ۷۴

نگاه یک زیست شناس به عالم وجود، نگاهی است در چارچوب روش علوم تجربی. یعنی سرو کار او با پدیده های محسوس و مادی است با روش تجربه و مشاهده و آزمایش. ابن سینا سعی می کند از این مرحله پا فراتر نهد و با نگاه عقل به علت العلل که همان غایت الغایات است راهسپار شود.

تأمل : ص ۷۵

هر اندازه نفس آدمی به کمالات بیشتری آراسته شود و از طریقه تزکیه و ص ۷۴

تحقیق ص ۷۵

دانش آموز باید با مطالعه رساله عشق ابن سینا مقاله ای در این زمینه تهیه نمایند.

تکمیل : ص ۷۶

دانش آموز با مراجعه به کتاب دفتر عقل و آیت عشق نوشته دکتر دینانی به تهیه مقاله می پردازد.

تحقیق : ص ۷۷

بسیاری از مطالب را نمی توان با زبان روزمره یا حتی زبان عقل بیان کرد. زبان حکایت و تمثیل ما را از محدودیت های زبان رها می سازد. تمثیل و استعاره باعث رشد زبان می شود.

بررسی و تحقیق : ص ۷۸

ارائه مقاله توسط دانش آموزان انجام می شود.

تمرینات فصل ششم ص ۷۹

۱- ص ۷۳ پاراگراف آخر // ۲- ص ۷۳ وسط صفحه // ۳- ص ۷۲ وسط صفحه // ۴- ص ۷۲ وسط صفحه
۵- ص ۷۴ پاراگراف آخر // ۶- ص ۷۴ وسط صفحه // ۷- ص ۷۴ نو پاراگراف مانده به آخر // ۸- صفحه ۷۵
۹- از مبانی مابعدالطبیعی فاصله گرفته است. زیرا بین انسان و جهان نوعی بیگانگی برقرار شده است. رابطه انسان و جهان خصمانه نیست، انسان برای نابودی جهان خلق نشده است و غایت او قهر و غلبه بر جهان نیست. ... صفحه ۷۴
همچنین منتد علو تجربی در عین موفقیت هایی که برای آن ایجاد می کند، محدودیت هایی را هم تحصیل می نماید و آن فاصله گرفتن از معانی حکیمانه است. ۱۰- پاراگراف آخر صفحه ۷۴

۱۱- دانشمندان امروزی جهان طبیعت را بر چارچوب منتد علوم تجربی و علل مادی صرف مطالعه می کند. در حالی که دانشمندان اسلامی مرتبه ای از جهان هستی می بیند که باید ما را واجب الوجود و نظام احسن نزدیک کند.

۱۲- صفحه ۷۷ ۱۳- صفحه ۷۷ ۱۴- صفحه ۷۸ پاراگراف آخر بخش زیلمون

۱۵- خیر، سهروردی، حکمت اشراق صفحه ۷۷ پاراگراف آخر. ۱۶- صفحه ۷۸ سه پاراگراف اول

فصل ۷

تحقیق : ص ۸۰

ارائه مقاله توسط دانش آموز با مراجعه به کتاب « ماجرای فکر فلسفی » دکتر دینانی

تفکر: ص ۸۱

- این درست است که همه متکلمان دارای تعلقات دینی هستند ولی در بعضی از مبانی و یا در روش با یکدیگر اختلاف دارند. مثلا متکلمان معتزلی قائل به حسن و قبح عقلی و ذاتی افعال اند اما اشاعره به حسن و قبح شرعی اعتقاد دارند.
- عقل برای معتزله بیشتر همان جدل است و عقل برای مشرب فلسفی منشاء برهان است.

تعقل : ص ۸۲

خیر. با این ایه شریفه در می یابیم دینداری تعبد صرف به معنای پیروی کورکورانه نیست. از چیزی که علم نداریم نباید پیروی کنیم و باید خود را در پیشگاه علم و عقل مسنون بدانیم و این موضعی است که غزالی آن را به دیده تحقیر و انکار نگریسته است.

جستجو و تحقیق : ص ۸۳

تهیه مقاله توسط دانش آموز

- ۱- صفحه ۸۱ پارگراف های اول و دوم
- ۲- ابوالحسن اشعری ، زدودن عناصر غیر اسلامی از ساحت اسلام . صفحه ۸۱
- ۳- صفحه ۸۱ : خط پنجم . معتزله طایفه ای از به دیده انکار می نگریستند.
- ۴- صفحه ۸۱ : چون خداوند از همه بندگان عالم آگاه است .
- ۵- صفحه ۸۱ : چون با معجزات پیامبران خلط می شود.
- ۶- صفحه ۸۱ : پاراگراف دوم
- ۷- صفحه ۸۲
- ۸- صفحه ۸۳

فصل ۸

تامل ص ۸۶

خیر ما از عقل گریزی و گزیری نداریم. پس قبل از به بلوغ رساندن عقل نمی توان در مسیر سلوک و قرب الی الله موفق شد.

زیرا سهروردی شیفته و طالب حقیقت بود. او نزد مجدالدین جیلی در مراغه و در محضر ظهیرالدین قاری در اصفهان به تحصیل پرداخت و به سراسر ایران سفر کرد. وی از مناطق مختلف آناتولی و سوریه دیدن کرد و با مشایخ صوفیه ملاقات ها کرد و از تعالیم آن ها بهره ها گرفت.

تکمیل ص ۸۷

کشورمان ایران در زمینه ها و موضوعات مختلف صاحب خلاقیت و ابتکار می شد و این یعنی پیشرفت گسترده اجتماعی و فرهنگی.

تحقیق ص ۸۸

از نظر سهروردی خطر فیلسوفان بی سلوک در این است که نمی گذارد آدمی از چارچوب عقل استدلالی فراتر رود. سهروردی نمی خواست فهم خود را در شناخت محدود به روش عقلی کند. مفاهیم عقلی صرف او را قانع نمی کرد. او می خواست بیش از عقل به هستی نفوذ کند و با آن نسبت عمیق تر و حضوری تری پیدا کند.

با توجه به مثنوی فیلسوفانه سهروردی و مواضعی که در جاهای مختلف اتخاذ کرده است، به نظر می رسد از نظر وی ابلیس بر سالکان بی فلسفه غالب تر است. سهروردی حکمت بحثی صرف را از سلوک قلبی صرف بالاتر می بیند و می گوید اگر مجبور شدیم از بین دو نفر که یکی فقط فیلسوف و دیگری فقط سالک است، یکی را برای زمامداری و حکومت انتخاب کنیم، اولی شایسته تر است.

تفکر ص ۸۸

سهروردی تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض را بی حاصل می داند و سیر و سلوک روحانی را بدون تربیت عقلی و استدلالی موجب گمراهی قلمداد می کند.

تکمیل ص ۸۹

تعلیم و تربیتی است که علاوه بر کوشش مداوم شاگرد، استاد و راهنمای خوبی نیز وجود داشته باشد.

برتر از این چهار طبقه، طبقه پنجم قرار دارد که متعلق به قطب یا امام است که در رأس سلسله مراتب روحانی است و دیگران چون نمایندگان و خلفای او هستند. (البته با توجه به متن کتاب طبقه پنجم می تواند در طبقه پنجم مستتر باشد)

استخراج پیام ص ۹۰

چون سلوک عرفانی بدون عقل می تواند گمراهی زیادی را ایجاد کند.

تامل فلسفی ص ۹۱

از نظر سهروردی این گونه نیست که هر چه به گذشته باز گردیم لزوماً اندیشه بشر نازل تر و بی ارزش تر بوده است. از نظر سهروردی پدر فلسفه هرمس یا ادریس (شیت) پیامبر است. از نظر سهروردی بعد از هرمس سلسله ای از حکمای یونانی و ایرانی قدیم ظهور کردند:

در ایران: کیومرث - فریدون - کیخسرو - بایزید بسطامی - حلاج - ابوالحسن خرقاتی

در یونان: فیثاغورث - امپدکلس - افلاطون - نو افلاطونیان - ذالنون مصری - ابو سهل تستری

سهروردی معتقد است این دو جریان را ادغام نموده و یگانه و واحد نموده است.

گفتگوی فلسفی ص ۹۲

از نظر سهروردی حقیقت در عالم واقع و نفس الامر یک چیز است ولی می توان از راه های مختلف به این حقیقت واحد تقرب جست و این به ساهیت حقیقت لطمه ای نمی زند. شبیه به بیان سهروردی، مولانا در مثنوی می گوید: از نظرگاه است ای مغز وجود /// اختلاف مومن و گبر و جهود

کشف رابطه ص ۹۲

از نظر سهروردی هر چند حقیقت در عالم واقع و در مقام ثبوت واحد است اما همین حقیقت واحد در مقام فهم (در مقام اثبات) متکثر می شود. (این شاید به دلیل محدودیت های شناخت ما و چگونگی پیش دانسته های ماست) از نظر سهروردی کسانی فاقد بینش فوق هستند در واقع فهم خود را مطلق گرفته و به توهم حقیقت دچار می شوند.

تکمیل ص ۹۳

لفظ اشراق در آسمان معقول جان دلالت دارد به آن مرتبه و درجه ای که شما با عنایت به سلوک عرفانی در صدد تعالی بخشیدن به حکمت بحثی و استدلالی هستید. در این مقام است که علم به مراتب انوار ظهور می یابد. سهروردی پیشگامان علم به این مرحله را کیومرث و فیثاغورث می داند.

تحقیق ص ۹۳

مشرقیان همان فرشتگان مقرب می هستند که از هر نقص و تاریکی منزّه اند و به دلیل تجرد از ماده ما موجودات خاکی و فنا پذیر قادر به درک آن ها نیستیم.

تطبیق و مقایسه ص ۹۳

خورشید در تمثیل غار افلاطون همان «مثال خیر» یا «ایده نیک» است و واجد همه کمالات است. این همان نور الانوار سهروردی است.

تامل و استدلال ص ۹۴

روشنایی نور در خود نور بالذات است ولی روشنی در غیر نور از نور گرفته شده است.

تامل ص ۹۴

۱- خیر. اگر کسی فاقد پول و ثروت باشد نمی تواند بخشنده پول باشد. (ذات نایافته از هستی بخش می تواند که شود هستی بخش)

۲- اولین مرتبه بعد از پرتو نور قوی به منبع نور شبیه تر است.

۳- خیر. زیرا به تجربه دریافته ایم اولین مرتبه بعد از پرتو نور قوی به منبع نور شبیه تر است. طبق قاعده امکان اشرف سیر و جود همواره از امکان اشرف به امکان اخس (غیر اشرف) سرازیر می شود و در راس آن هم نور الانوار قرار دارد.

تکمیل ص ۹۴

بله. باید یاد آوری شود که قاعده امکان اشرف در اصل در مقام اثبات ممکن الوجود اشرف است ولی این قاعده تلویحا وجود خدا را نیز اثبات می کند.

تحقیق ص ۹۴

از دانش آموزان به صورت گروهی یا انفرادی می خواهیم در خصوص شناخت و تاریخ مباحث مربوط به آن مقالاتی را تهیه کرده و در کلاس بخوانند.

کشف ص ۹۴

رابطه ظاهر و مظهر است. عالم تجلی نور الانوار است. چنین رابطه ای گسستگی نیست. زیرا در چنین رابطه ای خالق همان مخلوق است در مقام ظهور و مخلوق همان خالق است در مقام بطون. از نظر سهروردی چنین رابطه ای از رابطه علت و معلول بسیار عمیق تر است.

جستجو و کشف رابطه ص ۹۴

عالم مثال در نگاه سهروردی همان عالم انوار مدبره یا اسپیدییه است که واسطه فیض از ارباب انواع به موجودات مادی هستند. (تحقیق بیشتر در این خصوص را به دانش آموزان محول کنیم).

تطبیق و نمونه یابی ص ۹۷

ترسیم نمودار را به دانش آموزان محول می کنیم.

مقایسه و تطبیق ص ۹۷

شباهت: ۱- هر دو عالم را محدود به عالم ماده نمی دانند و به عالم ماورالطبییه هم قائل اند. ۲- هر دو برای عالم ماورالطبییه مراتب مختلف قائل اند.

تفاوت ها: ۱- علت العلل در نظام آفرینش این سینا جای خود را به نور الانوار در نظام سهروردی می دهد. ۲- عقول عشره در نظام آفرینش این سینا جای خود را به انوار قاهره در نظام سهروردی می دهد. ۳- عقل دهم (عقل فعال یا واهب الصور) در نظام آفرینش این سینا جای خود را به ارباب انواع در نظام سهروردی می دهد. ۴- در نگاه سهروردی عالم انوار مدبره یا اسپیدییه (عالم مثال) را نیز داریم که واسطه فیض از ارباب انواع به موجودات مادی هستند. نظام آفرینش این سینا فاقد چنین مرتبه ای است. (سهروردی با توجه به این فقدان و با استناد به قاعده الواحد لا یصدر عنه الاوحد، نظام آفرینش این سینا

را به نقد می کشند و می پرسند چگونه از عقل دهم غیر مادی و مجرد، عالم طبیعت مادی متکثر به وجود آمده است؟ در حالی که سنخیتی بین آن دو مشاهده نمی شود. سهروردی معتقد است این مشکل با انوار مدبره قابل حل است.

تشخیص ص ۹۸

علم به موارد شماره های (۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰) علم حضوری است و در موارد ۵، ۶، ۷ علم حصولی است.

موارد مربوط به شماره های (۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰) مصداق علم حضوری هستند، چون علم به هر یک از آن موارد، مستقیم و بی واسطه است.

استدلال و تطبیق ص ۹۹

اشیا خارجی از طریق صورت ذهنی بر ما معلوم می شوند. معلومات ما از طریق علم به صور ذهنی (علم حضوری) بر ما معلوم می شوند.

نتیجه ای که از این مقایسه می توان گرفت این است: ۱- مشرقیان فقط در عالم سائر الطبیعه وجود ندارند. نفس انسان نیز یکی از انوار مجرد است. علم حضوری نفس به صور علمی، تابش نور نفس به اشیا خارجی است. اشیا خارجی به حد نور نفس آشکار و معلوم می شوند.

تامل فلسفی ص ۱۰۰

علم حضوری نفس به خود به اضافه علم حضوری نفس به صور علمی (تابیدن نور نفس به اجسام و پدیده های خارجی) باعث می شود به نا آگاهی های خود آگاه گردیم. اگر ما به آگاهی های خود آگاه نباشیم (اگر فاقد علم حضوری باشیم) نمی توانیم با دیگران گفتگو کنیم. به عبارت دیگر ما از طریق آگاهی های خود، با دیگران تعامل برقرار می کنیم.

تکمیل ص ۱۰۰

اگر همه آگاهی های ما منوط به آگاهی های ما از خود نباشد، چیزی به عنوان آگاهی تحقق نمی یابد. هر علم حصولی مبتنی بر علم حضوری به صور اشیا است و هر علم حضوری به صور اشیا مبتنی بر علم حضوری نفس به خود و حالات خویش است.

دیالوگ فلسفی ص ۱۰۰

با این فعالیت دانش آموزان باید مسر انجام به این نتیجه برسند تا نفس به خود، آگاه نباشد نمی تواند به صور علمیه آگاه شود و تا به صور علمیه آگاه نباشد، آگاهی از عالم خارج و اشیا گوناگون محال است.

تشخیص ص ۱۰۰

مورد مربوط به شماره (۱) علم حضوری است و موارد مربوط به (۲، ۳، ۴، ۵، ۶) علم حصولی است.

مقایسه و تطبیق ص ۱۰۱

مشرق ها و مغرب های عرفانی شیخ اشراق مربوط به سلسله مراتب وجود از نظر وی است که در راس آن نور الانوار و در ذیل آن طبیعت قرار دارد و در بین آن دو مراتب مختلف انوار قاهره تا انوار مدبره قرار دارند. اما منظور از مشرق و مغرب جغرافیایی، همان نور و روشنایی ظاهری و مریخی در عالم طبیعت است که منحصر به خورشید طلوع کننده و غروب کننده در طبیعت است.

استخراج پیام ص ۱۰۱

اگر نفس نورانیت بیشتری را کسب کند و علم حضوری در آن تقویت شود، نفس می تواند به عالی ترین مرتبه ادراک و اتصال حقیقت نایل شود. البته این منوط بر این است که آدمی با تلاش و تهذیب و تزکیه نفس شایستگی کسب نور بیشتر از نورالانوار را به دست آورده باشد.

تکمیل ص ۱۰۲

بلی، انسان در مسیر مغرب ها هم می تواند به مغرب های پایین تر هم نزول و سقوط کند. آدمی موجودی است که می تواند از اسفل السافلین تا اعلیٰ علیین نزول و صعود داشته باشد. از دانش آموزان بخواهیم آیاتی از قرآن کریم در باره بیانند.

ارزیابی و تطبیق ص ۱۰۲

به شناخت نظری اهمیت دهیم ولی شناخت را منحصر به آن ندانیم. با سیر در نورانیت نفس به شناخت بیشتری نایل شویم به نحوی که با تمام وجود خود را در محضر خدا ببینیم. (به آخرین پاراگراف در همین صفحه مراجعه شود.)

تعمل ص ۱۰۳

از دانش آموزان بخواهیم داوطلبانه حکایت تمثیلی قصه غربه الغریبه را از طریق نمایشنامه و دیالوگ های زیبا نشان دهند.

تمرینات ص ۱۰۴

۱-ص ۸۸ پاراگراف اول // ۲-ص ۸۹ پاراگراف اول // ۳-ص ۸۹ // ۴-ص ۹۱ پاراگراف دوم // ۵- الف(ص ۹۲ خط آخر ب)ص ۹۲ خط اول و دوم از پاراگراف آخر ج(ص ۹۳ خط اول د)ص ۹۵ پایین صفحه // ۶-ص ۹۳ وسط صفحه // ۷-ص ۹۴ // ۸-ص ۹۵ // ۹-اثبات تجرد بعد خیال، اتحاد عالم و معلوم و اثبات معاد جسمانی که صدر استمالهین در باره آن ها بحث کرده است. (ص ۹۶ انتهای پاراگراف اول) // ۱۰-پاراگراف آخر از ص ۹۵ و پاراگراف اول از ص ۹۶ // ۱۱-ص ۹۷ پاراگراف آخر // ۱۲-ص ۹۸ دو پاراگراف آخر // ۱۳-ص ۹۹ وسط صفحه (اشراق نفس) // ۱۴-ص ۱۰۳ پاراگراف های اول و دوم.

فصل ۹

تحقیق ص ۱۰۶

-اولا به یاری روش برای انسان شناسایی حاصل می شود. ثابیا به کمک روش می توان در مورد درستی یا نادرستی معرفت به داوری پرداخت. در دنیای جدید دکارت بر اهمیت روش تاکید کرد و بر نفی مرجعیت ها یا اتوریته های فکری پرداخت.

-در روش فلسفی مشاء تاکید بر اقامه برهان و استدلال صرف است اما در روش اشراقی علاوه بر استدلال به شهود قلبی و در نهایت به وصول هم اهمیت داده می شود.

تحقیق ص ۱۰۶

دانش آموز به توصیه کتاب باید به کتاب ماجراهای فکری فلسفی در اسلام نوشته دکتر دبانی مراجعه کند. ولی اجمالا باید بدانیم هم عارفان و هم متکلمان در روش با فلاسفه اختلاف نظر دارند. عارفان به عقل و استدلال فلسفی پای بند نبوده و راه عشق را هموارتر و نزدیک تر و بی خطرتر می شناسند و می

خواهد به حقیقت هستی واصل شود. متکلمان نیز با تکیه بر منقولات شرعی و روش استدلال جدلی راه خود را از فیلسوفان جدا می کنند.

تلفص ص ۱۰۷

عرفان به این سنوال جواب مثبت می دهند .

پاسخ خواهند داد با فهم و عقل انسان صورت می پذیرد.

نتیجه: اگر بگویند که نمی فهمند که چه چیزی را شهود کرده اند، در پاسخ خواهیم گفت ، پس چه چیزی را شهود کرده اند و در باره چه چیزی سخن می گویند؟ اگر فهمیده باشند چه چیزی را شهود کرده اند، پس باید با عقل فهمیده باشند. در نهایت باید گفت ما از فهم گریز و گزیری نداریم.

تحقیق ص ۱۰۹

روش	هدف	موضوع	
روش فلسفی مشاء	علم به احوال موجود بما هو موجود	موجود بما هو موجود (وجود)	استدلال برهانی
روش فلسفی اشراق	علم به احوال موجود بما هو موجود	موجود بما هو موجود (وجود)	استدلال برهانی و شهود قلبی
روش سلوک عرفانی	وصول به خدا	خدا	شهود قلبی
روش استدلال کلامی	دفاع از گزاره های دینی	گزاره های دینی	استدلال جدلی

تمرینات ص ۱۰۹

۱- ص ۱۰۷ و ۱۰۸

۲- ص ۱۰۶ و ۱۰۷

۳- به جدول فوق مراجعه شود

۴- ص ۱۰۶ پاراگراف دوم

۵- ص ۱۰۸ پاراگراف اول و دوم

فصل ۱۰

تحقیق ص ۱۱۱

در این تحقیق دانش آموز می تواند از کتاب های دیدگاه ها و برهان ها تالیف شاپور اعتماد و چیستی علم اثر چالمرز، ترجمه سعید زیبا کلام استفاده کند.

اجمالا باید گفت ملا صدرا تمام علوم را که برای حیات مدینه لازم است ، علوم معامله ای می داند. او تاکید دارد نباید از علوم مکاشفه ای غافل شد زیرا طی طریق با علوم مکاشفه ای مقدور است. ملا صدرا فقه را نیز علم معامله ای می داند. امروز علم با تأثیر از دکارت برای روش (متد) جایگاه ویژه ای را قائل است. این موضوع باعث شکاف بین علوم طبیعی و علوم انسانی جدید با جهان شناسی و انسان شناسی گذشتگان شده است.

کشف ص ۱۱۳

کسانی که نگاه سطحی به دین و عالم و آدم دارند . متکلمان و فقهای زمان ملا صدرا این گونه بودند . وی از آن ها که برای او مزاحمت ایجاد می کردند ، گلایه می کند . (به مطالب بالای همین صفحه مراجعه شود)

تشخیص ص ۱۱۳

بیشتر دو گروه ۱- کسانی که نگاه سطحی به حقیقت و گزاره های دینی دارند و به معرفت فلسفی واقعی نمی نهند . ۲- کسانی که معرفت را به علوم طبیعی محدود کرده اند و به خارج از موضوعات مربوط به علوم طبیعی به دیده نفی و انکار می نگرند .

کشف رابطه ص ۱۱۴

هیچ رابطه ای با دیدگاه ملا صدرا در باره علم ندارد . دیدگاه ملا صدرا در باره علم : ص ۱۱۱ پاراگراف آخر : چنان که می گوید « بسیاری از منسوبان به علم ... حقایق را فرا می گیرد . »

مقایسه و تطبیق ص ۱۱۴

مباحث مربوط به اشراق ربانی در همین صفحه با مباحث شیخ اشراق در این خصوص مقایسه شود . (از جمله با مشرق اصغر و اکبر صفحه ۱۰۲)

ارزیابی ص ۱۱۴

جواب ص ۱۱۵ پاراگراف آخر

استدلال ص ۱۱۴

داوری در پاسخ به این سؤال را به دانش آموزان واگذار می کنیم و برای موضوعی که اتخاذ می کنند ، طالب دلیل می شویم .

استخراج پیام ص ۱۱۷

در این جا هم تحقیق و داوری در پاسخ به این سؤال را به دانش آموزان واگذار می کنیم و برای موضوعی که اتخاذ می کنند ، طالب دلیل می شویم . (به طور کلی تفسیر ملا صدرا از تفسیر مرحوم مجلسی امروزی تر و قابل قبول تر است .)

تکمیل ص ۱۱۸

در هر یک از موارد الف ، ب ، پ ، ت ملا صدرا نیز مباحث کتاب اسفار اربعه را به ترتیب بر حسب مراحل چهار گانه عرفا تنظیم کرده است و سلوک عقلی را با سلوک عرفانی هماهنگ ساخته است . از نظر ملا صدرا با طی مراحل سیر و سلوک عقلی و فلسفی می توان به غایت کمال انسانی نایل آمد .

تمرینات ص ۱۱۸

۱- ص ۱۱۱ پاراگراف دوم : ملا صدرا فیلسوفی مشائی بود ... تفسیر اشراقی کند .

۲- ص ۱۱۵ پاراگراف آخر : نبوغ و ابتکار ملا صدرا ... به وجود آورد .

۳- ص ۱۱۶ پاراگراف اول : ملا صدرا با نظر متکلمان در باره عقل ... با ضروریات عقلی نیست .

۴- ص ۱۱۷ و ۱۱۸ موارد ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ و الف ، ب ، پ ، ت

فصل ۱۱

یاد آوری و کشف رابطه ص ۱۲۰

مغایرت وجود با ماهیت (زیادت وجود بر ماهیت)

تامل فلسفی ص ۱۲۰

«مفهوم وجود» نظر به احکام وجود دارد و مباحثی مانند بدهت وجود، مغایرت وجود با ماهیت و اشتراک معنوی وجود در این جا مطرح می شود اما «حقیقت وجود» نظر به احوال وجود دارد و مباحثی مانند اصالت وجود و تشکیک وجود در این جا مطرح می شود.

تحقیق ص ۱۲۱

الف: هر خیر و کمالی به وجود بر می گردد و هر شرّ و نقصانی به عدم و اگر وجود اعتباری بود امکان نداشت منشا و منبع همه خیرات و کمالات باشد.

ب: اگر وجود اعتباری و ماهیت اصیل باشد لازم می آید فرقی میان وجود خارجی و وجود ذهنی نباشد. حال آن که میان این دو ضرورتاً فرق است و هر کدام آثار مخصوص به خود دارند. (توضیح این مطالب تحقیق بیشتر در این موضوع را به دانش آموزان واگذار می کنیم. با مراجعه به غرر چهارم از فریده اول از کتاب شرح منظومه جلد اول)

نمونه یابی ص ۱۲۲

شیر: (مشترک لفظی) نور: (مشترک معنوی) بادیه: (مشترک لفظی) وجود: (مشترک معنوی)
سفیدی: (مشترک معنوی) زیبا: (مشترک معنوی)

تعقل ص ۱۲۴

مانند منشور یا شیشه هایی که نور را متکثر جلوه می دهند در حالی که آن منشور یک چیز بیشتر نیست.

مقایسه و تطبیق ص ۱۲۵

ابن سینا ملاک نیاز مندی معلول به علت را در تقابل با نظریه متکلمان که حدوث زمانی می دانستند، امکان ذاتی می داند. (دانش آموزان را ارجاع دهیم به فصل ۲ در همین کتاب ص ۳۶) ملا صدرا می گوید وجود ممکنات نسبت به خدا عین الربط است. ملا صدرا فقر وجودی را به حاق وجود مربوط می داند. (توضیح بیشتر ص ۱۲۴)

بررسی و تحقیق ص ۱۲۶

به عقیده ملا صدرا آدمی تناسخ بطون دارد و می تواند در قبض و بسط باشد و صعود و نزول داشته باشد. به این ترتیب صفتی مانند حریص بودن می تواند حسن هم باشد. مانند حریص بودن در تقرب به خدا. (به این ترتیب به نظر ملا صدرا صفاتی مانند حریص، کفور، ظلوم و ... می توانند فضیلت هم باشند). هر چه انسان بیشتر بتواند با کمال خویش ذات حق را نمایان سازد، شایستگی مقام خلافت در او بیشتر می شود.

جستجو ص ۱۲۷

حرکت در مقوله این: تمام حرکات مکانی و حرکت های مادی مکانیکی را شامل می شود. مانند افتادن سنگ

حرکت در مقوله وضع : حرکت هر شیء مادی بر محور خودش حرکت وضعی است . مانند حرکت زمین به دور خود .

حرکت در مقوله کم : رشد جانوران و گیاهان در مقوله کم است . نهالی که به درختی تناور تبدیل شده ، در مقوله کم حرکت کرده است .

حرکت در مقوله کیف : تمام حرکات شیمیایی و فیزیکی ، حرکت کیفی است . مانند گرم شدن آب .

گفتگوی حق جویانه ص ۱۲۷

در این فعالیت بعد از این که دانش آموزان صفات موم و میز را جداگانه در جدول قرار دادند ، باید آن صفات را عرضی و وابسته بدانند و بگویند جوهر را از طریق عقل در می یابیم و سپس در پاسخ به سؤال دوم نیز بگویند : جوهر را صرفاً از طریق عقل در می یابیم . زیرا اعراض که وجودشان وابسته است باید موضوع باشند و نمی توانند خودبخود باشند . پاسخ سوال سوم هم مثبت (بلی) است .

درون نگری ص ۱۳۰

اصلت انسان به وجود اوست نه به ماهیت او . معنای نزدیکی انسان به خدا و کمال او اگر وجودی باشد قابل درک است در غیر این صورت خیر .

وجود جسمانی انسان علاوه بر ابعاد سه گانه مکانی (طول ، عرض ، ارتفاع) بعد زمانی هم دارد . یعنی در زمان هم جاری است و این عین حرکت و تغییر اوست . به فعلیت رسیدن قوه اوست . انسان موجودی است سیال که این سیالیت فقط بعد جسمانی او را شامل نمی شود بلکه مهمتر از آن ، این فراز و فرود بعد روحی و روانی او را نیز شامل می شود .

تمرینات ص ۱۳۱

۱- اصول زیر را شرح دهید :

۱- اصلت وجود (صفحه ۱۲۰ پاراگراف آخر) ۲- اصلت ماهیت (صفحه ۱۲۰ پاراگراف آخر) ۳- تشکیکی وجود (صفحه ۱۲۳ پاراگراف اول و دوم) ۴- فقر وجودی (صفحه ۱۲۴ وسط صفحه)

۲- وحدت موجودات ، کثرت ، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت . ص ۱۲۳

۳- ص ۱۲۴ وسط صفحه

۴- اصطلاحات زیر را شرح دهید :

الف) اشتراک معنوی وجود (ص ۱۲۲) ب) وحدت حقیقت وجود (ص ۱۲۲) ج) جوهر و عرض (ص ۱۲۷) د) موجود ثابت و متغیر (ص ۱۲۹)

۵- ص ۱۲۵

۶- ص ۱۲۶

۷- ص ۱۲۹ (خلاصه مبحث وجود سیال تا پاراگراف های اول و دوم از ص ۱۳۰)

۸- ص ۱۲۸ پاراگراف آخر تا پاراگراف اول از ص ۱۲۹

۹- ص ۱۲۹ پاراگراف سوم

۱۰- ارتباط خدا با جهان ، مسئله حدوث و قدم عالم ، رابطه نفس و بدن ، وجود ذهنی و مسئله شناخت و معاد جسمانی . ص ۱۳۱

فصل ۱۲

فلسف ص ۱۲۶

به طور کلی این دو تاثیر و تاثر متقابل دارند ولی وقتی زندگی بزرگانی چون علامه طباطبائی را مطالعه می کنیم می بینیم فیلسوفان بزرگ ، الهام بخش و موسس افق های فکری جدیدی هستند .

تحقیق و مباحثه ص ۱۳۸

دانش آموزان می توانند همین مطالب را با مراجعه به منبع زیر نیز جویا شوند :

کلیات فلسفه / ریچارد پایکین / دکتر مجتبیوی / انتشارات حکمت / چاپ هفتم / پائیز ۱۳۷۰ (بخش نظریه شناسائی)

تحقیق و مباحثه ص ۱۳۹

با توجه به آدرس فوق نقد های زیر را می توان دید :

الف) خود معیت یا توالی و تعقب محسوس نیست بلکه انتزاع ذهن است . آنچه محسوس است امور متوالی است نه توالی .

ب) هیوم میان علت و شرط لازم و شرط کافی تمایزی قائل نشده است . ممکن است در پاره ای موارد به دنبال نشستن گاو و باریدن باران توالی باشد و از تصور یکی به تصور دیگری برسند ولی رابطه علی بین آن دو برقرار نباشد .

پادآوری ص ۱۴۰

از دانش آموزان بخواهیم با مراجعه به ص ۹۸ کتاب فلسفه خود ، فهم خود را از معلوم بالذات و معلوم بالعرض بیان کنند و فهم یکدیگر را نقد کنند .

تشخیص ص ۱۴۰

به صفحه ۹۷ پاراگراف آخر از کتاب درسی خود مراجعه کنند .

نمونه یابی ص ۱۴۰

۱- من هستم (علم حضوری) ۲- تو هستی (علم حصولی) ۳- ما ایرانی هستیم (علم حصولی) ۴- من به شما اعتماد دارم (علم حضوری) ۵- شما به من اعتماد دارید (علم حصولی) این کاغذ سفید است (علم حصولی) من این کاغذ را سفید می بینم (علم حضوری)

استدلال ص ۱۴۱

زیرا در علم حصولی ، معلوم با واسطه و یا غیر مستقیم در نزد عالم حاضر است اما در علم حضوری ، معلوم بی واسطه و مستقیم نزد عالم حاضر است .

تکمیل ص ۱۴۱

معقول اول هم عروضش خارجی است و هم اتصافش خارجی است. در این مقام مفهوم کلی قابل حمل بر امور عینی است. مانند: مریم انسان است.

معقول ثانی فلسفی عروضش ذهنی است ولی اتصافش خارجی است. مانند: آتش علت است. یا حرارت معلول است. (در این جا عقل مفهوم علت را از آتش و مفهوم معلول را از حرارت انتزاع کرده است.)

معقول ثانی منطقی هم عروضش ذهنی است و هم اتصافش ذهنی است. مانند: انسان کلی است و مریم جزئی است. در این مقام مفهوم کلی و جزئی قابل حمل بر امور عینی نیست و تنها بر مفاهیم و صورت های ذهنی حمل می شود. در مثال (انسان کلی است) کلی، صفت برای مفهوم انسان است و در مثال (مریم جزئی است) جزئی، صفت برای صورت ذهنی مریم است.

نمایش چهره های برتر ص ۱۳۲

از دانش آموزان بخواهیم گفت و گوها را در کلاس به صورت نمایش اجرا کنند. این گفت و گوها در سال ۱۳۳۸ انجام شده است و اجرای آن به صورت نمایش می تواند خطر جمود گرایی را در دانش آموزان بکاهد.

تحلیل و تحقیق ص ۱۴۴

دانش آموزان می توانند در این زمینه به کتاب هایی مانند زیر مراجعه نمایند:

الف) شرح دعای سحر / ب) شرح دعای مبارکه / ج) مصباح الهدایه / د) تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس / ه) تفسیر سوره حمد / ه) کتاب اربعین یا چهل حدیث، آداب صلوات این کتاب اثری عرفانی است.

تحقیق ص ۱۴۵

ارایه تحقیق با مراجعه به یکی از آثار شهید مطهری (ره)

تمرینات ص ۱۴۵

۱- ص ۱۳۷ پاراگراف اول و دوم

۲- ص ۱۳۸ شماره های ۱ و ۲

۳- ص ۱۳۹ از پاراگراف سوم تا پاراگراف اول ص ۱۴۰

۴- ص ۱۴۰ پاراگراف آخر

۵- حصولی، حضوری (وسط ص ۱۳۹)

۶- حضوری / مفهوم ذهنی / وجود دهنده / احوال درونی / در درون خود / حضوری / حصولی / علیت وجود / قائم / وابسته / نیازمند / معلول / (ص ۱۴۰)

فصل ۱۳

تحقیق ص ۱۴۷

از دانش آموزان بخواهیم به صورت فردی یا گروهی مقاله ای در باره موضوع زیر تهیه کنند و آن را نقد کنند: چرا هگل فرهنگ غرب را تنها فرهنگ اصیل معرفی کرد؟

جستجو ص ۱۴۸

پاسخ در صفحه ۱۴۷ جستجو شود. (وسط صفحه و سه خط آخر در همان صفحه)

ارزیابی ص ۱۴۸

از دانش آموزان بخواهیم به آثار و مقالات مربوط به هنری کرین مراجعه کنند. مانند: فلسفه ایرانی - فلسفه تطبیقی.

ارزیابی و تطبیق ص ۱۴۹

از دانش آموزان بخواهیم به صورت فردی یا گروهی مقاله ای تهیه کنند و در این باره با هم بحث و گفتگو کنند.

تامل فلسفی ص ۱۴۹

پاسخ در صفحه ۱۴۹ جستجو شود. (وسط صفحه: امروز دانشجویان از کلاس ... در آن بگنجانیم.)

تحقیق و گفت و گو ص ۱۵۰

از دانش آموزان بخواهیم به صورت فردی یا گروهی مقاله ای تهیه کنند و در این باره با هم بحث و گفتگو کنند.

کشف رابطه ص ۱۵۰

پاسخ در صفحه ۱۵۰ جستجو شود. (فلسفه اسلامی هیچ گاه قومی و محلی نبوده و ... ضامن حیات و پویایی یک فلسفه باشد.)

بررسی ص ۱۵۰

از دانش آموزان بخواهیم به صورت فردی یا گروهی مقاله ای تهیه کنند و در این باره با هم بحث و گفتگو کنند.

تامل و تکمیل ص ۱۵۰

۱- بسط این پیام که فلسفه تنها آموختن نیست بلکه پیمودن راه تکامل در درون است. به عبارات دیگر فیلسوف شدن با نوعی کمال و تعالی معنوی و اخلاقی توأم است.

۲- تلاش در پیوند سازمانی میان رشته های که ظاهرا از هم جدا به نظر می رسند و ایجاد دیدگاه کلی.

۳- فلسفه اسلامی را هیچ گاه قومی و محلی نکرده و همواره از عناصر مثبت و اصیل در فرهنگ های دیگر استفاده کنیم و آن ها را جذب کرده و در فلسفه خویش بگنجانیم. همان کاری که فیلسوفان بزرگ ما کرده اند.

تسریحات ص ۱۵۱

- ۱-ص ۱۴۶، پاراگراف اول
- ۲-ص ۱۴۶، پاراگراف دوم
- ۳-ص ۱۴۷، پاراگراف اول
- ۴-ص ۱۴۷، پاراگراف دوم، دو خط اول
- ۵-ص ۱۴۷، پاراگراف دوم: انگیزه اصلی خاورشناسان ... جستجو کرد.
- ۶-ص ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰ در ذیل مباحث: تفکر و اخلاق، پیوند سازمانی و وسعت نظر جستجو شود.



پیاموز | Biamoz.com

بزرگترین مرجع آموزشی و نمونه سوالات درسی تمامی مقاطع

شامل انواع | نمونه سوالات | فصل به فصل | پایان ترم | جزوه |

ویدئوهای آموزشی | گام به گام | طرح درس | طرح جابر | و ...

اینستاگرام

گروه تلگرام

کانال تلگرام

برای ورود به هر پایه در سایت ما روی اسم آن کلیک کنید

دبستان

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
-----	-----	-----	-------	------	-----

متوسطه اول

هفتم	هشتم	نهم
------	------	-----

متوسطه دوم

دهم	یازدهم	دوازدهم
-----	--------	---------